

عوامل موثر در نابرابریهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مناطق شهری با رویکرد شهر متراکم (مطالعه موردی: شهر فریدونکنار)

فرزین تقی پور^۱، علیرضا برادران^۲، مائده دشتی^۳، سید سعید محمد نژاد^۴، مرتضی رزمگه^۵

^۱ دانشجوی کارشناسی، مدیریت بازرگانی، موسسه آموزش عالی علامه امینی، واحد بهنمیر، مازندران، ایران (نویسنده مسؤل)

^۲ دانشجوی کارشناسی، مدیریت حرفه ایی عملیات امداد و نجات، موسسه جامع علمی کاربردی جمعیت هلال احمر، واحد ساری مازندران، ایران

^۳ کارشناسی ارشد، مدیریت بازرگانی گرایش مالی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری، مازندران، ایران

^۴ دانشجوی کارشناسی، مهندسی عمران، دانشگاه آزاد سما، واحد بابل، مازندران، ایران

^۵ دانشجوی کارشناسی، مهندسی فناوری آبیان، موسسه علمی کاربردی جهاد کشاورزی، واحد بابلسر، مازندران، ایران

چکیده

نابرابریهای اجتماعی پدیده‌های است که بر تمام مناسبات اجتماعی انسانها تأثیر میگذارد. تحلیل فضایی توسعه، میزان نابرابری هاومحرومیت نواحی مختلف رامشخص واولویت اقدامات برای ارتقای سطح زندگی رامعلوم میکند. شهر متراکم یکی از الگوهای فرم پایدار می باشد که با هدف جلوگیری از گسترش شهر، به دنبال توزیع مناسب خدمات و تقویت شاخصهای اقتصادی_اجتماعی در بین مناطق است. روش پژوهش توصیفی_تحلیلی است که در آن از آزمون همبستگی پیرسون، آزمون t و مدل‌های تصمیم گیری چند معیاره (VIKOR, SAW, TOPSIS) و V.C استفاده شده است. در این تحقیق شاخص های توسعه براساس پنج بعد و ۴۴ متغیر تعریف شده اند و داده های تحقیق نیز از بلوکهای آماری سرشماری سال ۱۳۹۰ استخراج شده است. جامعه آماری پژوهش، ۱۴ محله شهر بوده که محدوده های آن منطبق بر تقسیمات کالبدی مرکز آمار ترسیم شده است. بر اساس نتایج پژوهش، توزیع و پراکنش شاخص های توسعه در شهر فریدونکنار نوعی عدم تعادل فضایی را نشان میدهد، به طوری که نزدیک به ۲۵/۸ درصد از جمعیت شهر در مناطق توسعه یافته (۱۰، ۴، ۳)، ۱۴/۵ درصد جمعیت در مناطق با توسعه متوسط (۷ و ۱۲) و ۵۹/۵ درصد در مناطق ضعیف و کمتر توسعه یافته (۱، ۲، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۱) ساکن هستند. همچنین نواحی مرکزی شهر از سطح توسعه یافتگی بیشتری نسبت به مناطق پیرامونی و نیمه پیرامونی برخوردار می باشند و تفاوت معناداری میان ضریب توسعه در بین مناطق براساس طبقه بندی تراکم ساختمانی دیده میشود؛ به طوری که میانگین این ضریب در مناطق متراکم بیشتر از مناطق کم تراکم است. در نهایت مناطق ۳ و ۴ به عنوان مناطق توسعه یافته و مناطق ۶ و ۹ به عنوان مناطق کمتر توسعه یافته شهر فریدونکنار مشخص شده اند.

واژه‌های کلیدی: نابرابری اجتماعی، عدالت فضایی، تراکم شهری، ضریب توسعه، فریدونکنار

۱- مقدمه

مسئله نابرابری در بسیاری از کشورها چالشی اساسی در مسیر توسعه می باشد؛ به ویژه برای آن دسته از کشورها که قلمرو حاکمیت آنها مناطق جغرافیایی وسیعی را شامل می شود. این نابرابریها، تهدیدی جدی برای حصول توسعه متعادل و متوازن مناطق است و دستیابی به وحدت و یکپارچگی ملی را دشوار می نماید (Shah and Shankar ۲۰۱۰) رشد سریع جمعیت، مقدمه رشد و توسعه گسترده شهری را فراهم آورده و تغییرات وسیعی نیز از مقیاس محلی تا جهانی در کاربری زمین ایجاد نموده است؛ به گونه ای که میتوان گفت، جمعیت شهرها افزایش یافته ولی خدماتی که پاسخگوی نیازهای مختلف آنها باشد، به گونهای مناسب، فراهم نشده است. (Rana Sohe ۲۰۰۹) این امر موجب کمبود امکانات و زیرساختها شده و باعث شده گروههای مختلف شهری، دسترسی های متفاوتی به این امکانات داشته باشند. (al et and Hataminezhad ۲۰۱۲) از آنجا که خدمات شهری ساختاردهنده شکل و ماهیت کالبدی، اجتماعی و فضایی شهر می باشد، بی عدالتی در نحوه توزیع آن، تأثیر جبران ناپذیری بر ساختار، ماهیت و جدایی گزینی طبقاتی محالت شهر گذاشته و مدیریت شهری را با چالشهای جدی روبه رو میکند (Rostami&Dadashpoor ۲۰۱۱) سازمان فضایی متعادل در شهرها، نوعی از پایداری شهری است. این پایداری زمانی محقق خواهد شد که هماهنگی و سازگاری منطقی بین مناطق و نواحی شهر و توزیع عادلانه امکانات و خدمات در شهرها به وجود آید. (Mousavi ۲۰۱۱) توزیع خدمات در نواحی شهری به منظور تسهیل امر خدماترسانی و دسترسی مناسب و بهینه شهروندان به آن صورت میگیرد؛ چنانچه توزیع خدمات و امکانات شهری بر اساس معیارهای صحیح و اصولی نباشد، این حالت خدمات رسانی به راحتی انجام نگرفته و ممکن است عدم تعادل هایی بین پراکنش جمعیت و فضاهای خدماتی مورد نیاز مشاهده گردد. در واقع حرکت و رسیدن به عدالت، زمانی محقق خواهد شد که تخصیص و توزیع خدمات و امکانات میان واحدهای فضایی و اجتماعی شهرها مطابق با نیازهای جمعیتی و اصل مساوات و برابری جغرافیایی صورت گیرد. در همین راستا، ارزیابی و پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در فضاهای شهری میتواند در سنجش میزان عدالت اجتماعی و تأمین نیازهای اساسی شهروندان در چارچوب طرحها و برنامه های عمرانی، اجتماعی و اقتصادی مفید واقع شود. بنابراین توزیع متعادل امکانات و خدمات، گامی در جهت از بین بردن عدم تعادل ای منطقه ای است. زیرا هرچه قدر تفاوت های منطقه ای از ابعاد مختلف بیشتر باشد، منجر به حرکت جمعیت و سرمایه به سمت قطب های پرجاذبه میگردد. به منظور حل مسائل ناشی از عدم تعادل های منطقه ای، گام نخست شناخت و سطح بندی مناطق از نظر میزان برخورداری در زمینه های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و غیره میباشد. سطح بندی، روشی برای سنجش توسعه مناطق است که اختلاف مکانی، فضایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناطق را نشان میدهد و وضعیت هریک از مناطق را نسبت به یکدیگر از نظر سطح توسعه مشخص می کند. با این روش روند شکل گیری توسعه قطبی مناطق مشخص میگردد و در نهایت، در برنامه ریزی توسعه مناطق، مناطق نیازمند و کمتر توسعه یافته تعیین و از عدم تعادل مناطق جلوگیری می شود (Miandashti Jadidi. ۲۰۱۳) به هر حال، برای تدوین یک زیربنای علمی و منطقی برای سیاست گذاری توسعه، لازم است ارزیابی جامعی پیرامون وضعیت موجود توسعه مناطق از نظر شاخص های مختلف اقتصادی، اجتماعی و محیطی صورت پذیرد (al et Yu ۲۰۱۰) فریدونکنار که در سالهای اخیر با شهرنشینی شتابانی مواجه بوده است. در این روند پراشتاب با مسائل و مشکلات فضایی متعددی همچون شکل گیری سکونتگاه های غیررسمی، توزیع فضایی نامتعادل منابع و امکانات خدماتی و گسترش کالبدی _ فضایی نامناسب روبه رو بوده است. تحقیق حاضر با تعریف پنج بعد و ۴۴ شاخص و متغیر سعی میکند مناطق مختلف شهر فریدونکنار را به لحاظ میزان بهره مندی از شاخص ها، سطح بندی نماید

و با معیار قرار دادن تراکم، وضعیت نابرابری اجتماعی را در نواحی متراکم و کم تراکم شهر فریدونکنار مورد بررسی و مقایسه قرار دهد تا شاید مسیر مناسبی برای پایداری فرم شهری ارائه نماید.

۲- مبانی نظری

نابرابری اجتماعی در فضای شهری، حاصل دسترسی افتراقی نواحی شهر به منابع ارزشمند اجتماعی چون ثروت مادی، قدرت، منزلت و سرمایه فرهنگی است. معنای اولیه نابرابری به تمایز بین افراد اشاره دارد؛ به نحوی که بین زندگی آنها، به ویژه از نظر حقوق، فرصت‌های زندگی، پاداشها و امتیازات، اختلاف آشکار و پنهان زیادی وجود داشته باشد در هر جامعه‌ای، نابرابری در مراتب مختلفی بروز می‌یابد و معمولاً در مناطق شهری، قشربندی و نابرابری اجتماعی بیش از مناطق روستایی دیده می‌شود (Sun & Chen ۲۰۰۶) در این زمینه لارونس (۲۰۰۲) معتقد است، افزایش نابرابری‌های اجتماعی در مناطق شهری به تغییر ساختار و موقعیت ترکیبی جمعیت‌های شهری، به علاوه ساختار محلی، ملی و اقتصاد جهانی مربوط است. تمرکز نامعقول و نامتناسب در عرصه‌های زیستی توسعه اقتصادی-اجتماعی نابرابر نواحی جغرافیایی را در پی خواهد داشت. موضوعی که بازتاب آن را در چشم انداز جغرافیایی شهرها و رشدناهمگون آنها نیز می‌توان یافت. زمانی که پایین بودن درآمد با فقر درآمد ناشی از دسترسی کمتر به کالا و خدمات ارائه شده از سوی بخش دولتی ترکیب شود، به عقب ماندگی نواحی می‌انجامد. دولت‌ها و دستگاه‌های برنامه ریز، وظیفه دشواری در خصوص ایجاد تعادل در توزیع خدمات و امکانات شهری برعهده دارند (۲۰۱۱ al et and Hekmatnia) در اغلب کشورهای در حال توسعه از جمله ایران یک یا دو منطقه و در نهایت چند منطقه، وضعیت مناسب خدمات عمومی و باطبع شکوفایی اقتصادی و اجتماعی دارند و نقش عمده‌ای در ایجاد درآمد و تولید ملی ایفا می‌کنند. این امر به بهای عقب نگهداشتن مناطق دیگر و افزایش شکاف و نابرابری بین مناطق و نواحی است. چرا که نابرابری فضایی را می‌توان توزیع نابرابر فرصت‌ها و موانع اجتماعی در فضا دانست. نابرابری فضایی که شکل بارز آن نابرابری منطقه‌ای است، در هر جامعه‌ای می‌تواند جنبه‌های مختلف به خود بگیرد. اشکال قابل رؤیت نابرابری فضایی در کشورهای در حال توسعه عبارتست از: نابرابری بین شهر و روستا، نابرابری بین شهرهای بزرگ و کوچک، نابرابری جغرافیایی در شهرهای بزرگ، نابرابری بین مناطق محروم و مناطق برخوردار و غیره (Dehghan ۲۰۰۷) از جمله عواملی که باید به منظور عدالت فضایی در برنامه ریزی شهری رعایت شود، توزیع مناسب خدمات شهری و استفاده صحیح از فضاهاست. سازماندهی فضا یکی از ابعاد تعیین کننده جوامع انسانی و بازتاب وقایع اجتماعی و محل تجلی ارتباطات اجتماعی است. از این رو، تجزیه و تحلیل کنش بین فضا و اجتماع در فهم بی‌عدالتی‌های اجتماعی و چگونگی تنظیم سیاست‌های برنامه ریزی برای کاهش یا حل آنها ضروری است (Dufaux ۲۰۰۸) بنابراین برنامه ریزان باید در پی حل این مسئله باشند که در الگوی مکانیابی خدمات و تسهیلات ایجاد شده و چگونگی توزیع آنها چه میزان نابرابری به وجود آمده و چه گروه‌هایی بیشتر محروم شده‌اند (pewko. ۲۰۰۵) مباحث مربوط به توسعه پایدار شهری، دیدگاه‌های مربوط به تحول و بهبود شهر مدرن را انسجام بیشتری بخشید و به ظهور ایده‌های جدید در برنامه ریزی شهری انجامید که از میان آنها ایده‌ای که بر افزایش تراکم شهری و استفاده از آن در ساماندهی شهری تأکید دارد، ایده «شهر فشرده» است که سعی دارد با تحول در عناصر فرم کالبدی شهر، زمینه پایداری بیشتر آن را فراهم سازد. الگوی شهر فشرده، شکل پایداری از توسعه شهری را در نظر می‌گیرد که مفهوم عدالت یکی از عمده‌ترین مباحث آن می‌باشد. الکین بر این باور است که "توسعه پایدار بیش از آن که مفهوم حفاظت محیطی را در بر داشته باشد، در بطن آن مفهوم عدالت نهفته است؛ هم عدالت میان نسلی که متضمن فراهم نمودن نیازهای حداقلی جامعه و هم عدالت بین نسلی که تضمین

نیازها و حقوق آیندگان را در بر میگیرد". برخی از اندیشمندان به این دلیل که شهر فشرده امکان دسترسی مطلوب به امکانات را برای بیشتر شهروندان فراهم می سازد، از آن به عنوان شکلی از عدالت نام می برند. فشردگی شهری به معنای ایجاد قرابت بین عملکردهای مختلف شهری و تأکید بر تنوع و چند کارکردگرایی شهری است. تأکید بر تمرکز فعالیتها و عملکردهای شهری به جای افتراق آنها، استفاده فشرده از مناطق شهری، تأکید بر کاربریهای ترکیبی به جای کاربریها و عملکردهای مجزا از هم، ساخت منازل و ساختمان های پر تراکم، حمایت از توانمندسازی شهری، حمایت از حمل و نقل عمومی و دوچرخه سواری، محدود کردن شهرنشینی به سمت حومه ها، جلوگیری از اتاف زمین و سامان مند سازی مطلوب عملکردهای شهری، کاهش استفاده از سوخت های فسیلی و در نهایت جلوگیری از آلوده شدن شهرها از جمله ویژگیهای آن محسوب میگردد. (۲۰۱۳ al et and Meshkini) راهبرد شهر فشرده به عنوان مدل پایه برای توسعه شهری پایدار توسط اتحادیه اروپا مطرح شده است. مفهوم عمومی فشردگی دارای پیشینه های طولانی مدت در برنامه ریزی شهری می باشد و سابقه آن به مدل شهر متمرکز بر میگردد. شهر متمرکز طرفدار شهری با تراکم زیاد و زندگی در آسمان خراش ها و ساختمان های مرتفع است. تمرکز درجه ای است که توسعه به جای این که در کل ناحیه، پراکنش عادلانه داشته باشد، به طور نامتعادل تنها در فضاهای محدودی از کل منطقه شهری واقع میشود. بعد تمرکز، نواحی شهری که واحدهای مسکونی و شغلی بیشتری را با تراکم های به نسبت بالا در فضاهای کمتری جای داده اند، از آنهایی که در سراسر چشم انداز شهری به طور عادلانه توزیع شده، متمایز می سازد. همراه با پیشرفت فناوری، آسمان خراش ها هم بلند و بلندتر شده و فضاهای باز از درون شهرها رخت بربستند. در نتیجه طرفداران شهر متراکم برای حفاظت از مناطق کشاورزی پیرامون شهرها و پارک های واقع در محدوده آنها بر مفهوم تراکم زیاد تأکید دارند (۲۰۱۳ al et and Meshkini).

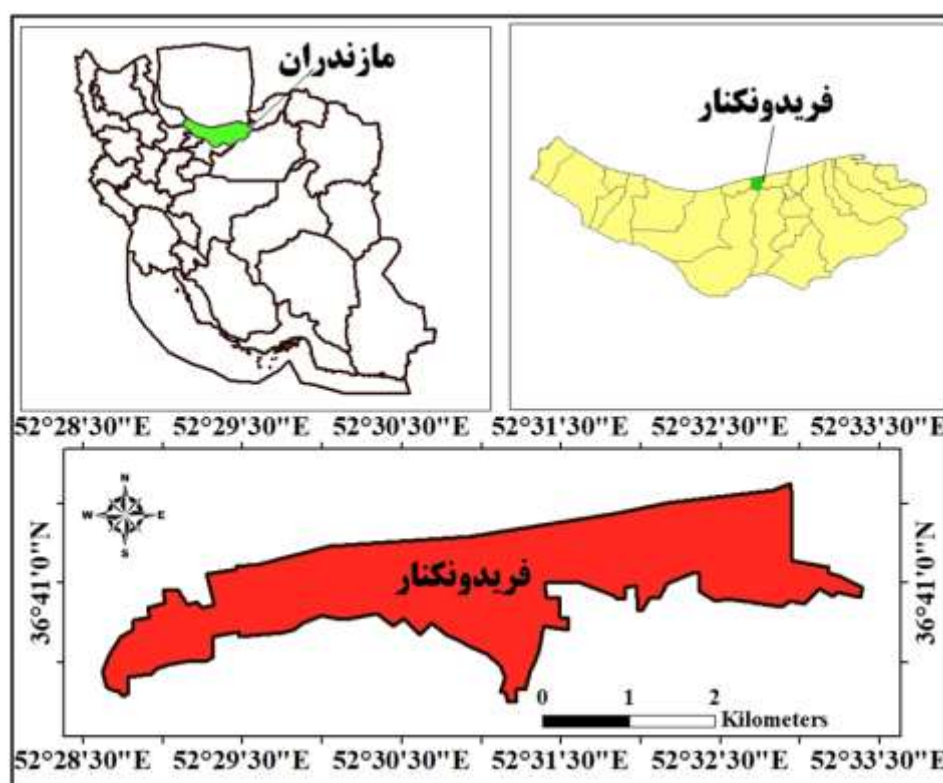
۳- روش تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع و اهداف تحقیق، رویکرد حاکم بر فضای تحقیق، توصیفی، تحلیلی است. جامعه آماری تحقیق، ۱۴ محله شهر فریدونکنار است که بر اساس تقسیمات کالبدی مرکز آمار در سرشماری سال ۱۳۹۰ مشخص شده است. اطلاعات مورد نیاز از سازمانهای مربوطه از قبیل: مرکز آمار، اداره آموزش و پرورش شهرستان، اتحادیه کفینت داران، کتابخانه عمومی مرکزی، اداره ورزش و جوانان شهرستان فریدونکنار، پلیس ناجا، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان آتشنشانی، سازمان پارکها و فضای سبز، شبکه بهداشت و درمان دانشگاه علوم پزشکی بابل، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی و همچنین از طریق اسناد، مجلات و کتب مرتبط با موضوع به دست آمده است. در این پژوهش شاخص های توسعه از پنج بعد کلی و با ۴۴ متغیر تعریف و تجزیه و تحلیل داده ها با کمک نرم افزارهای SPSS، GIS و Excel انجام شده است. نخست با بهره گیری از روشهای تصمیم گیری چند معیاره (TOPSIS، VIKOR، SAW) مناطق رتبه بندی شده اند (وزن و درجه اهمیت شاخص ها براساس اوزان تعدیل شده) سپس با همسو نمودن همه ضرایب و محاسبه محاسبه شد میانگین، شاخص های توسعه به دست آمد. برای تعیین رابطه میان ضریب توسعه و انواع تراکم (جمعیتی، خالص مسکونی، مسکونی، سکونتی و ساختمانی) از همبستگی پیرسون استفاده شد. تراکم هایی که همبستگی مثبت و معناداری با شاخص توسعه داشتند، به دو منطقه کم تراکم و پر تراکم تقسیم شده اند، برای تعیین اوزان تعدیل شده از رابطه زیر استفاده شد. ابتدا مقدار w_1 از طریق آنتروپی شانون محاسبه و در مرحله بعد از طریق پرسشنامه از ۲۰ کارشناس خواسته شده که به شاخص های توسعه

امتیاز ۱ تا ۵ را بدهند، سپس با استفاده از آن، اوزان تعدیل شده محاسبه گردید. سپس با آزمون T دو نمونه مستقل وضعیت ضریب توسعه در میان دو طبقه ترا کمی مورد مقایسه قرار گرفته است.

۴- محدوده مورد مطالعه

واژه "فریدونکنار" کلمه ای مرکب از فریدون به علاوه کنار است. فریدون در اساطیر شاهنامه پسر آبتین از نژاد جمشید است که هنگام زادن او گاوی به نام برمایون (برمایه) نیز زاده شد. پدر فریدون به فرمان ضحاک کشته شد. فرانک مادر فریدون فرزند خود را نزد صاحب گاو نهاد و او مانند برمایه از شیر گاو رشد و نمو کرد. ضحاک به فریدون دست نیافت. فریدون در البرزکوه پرورش یافت تا ۱۶ ساله شد و از نسل و دودمان خود باخبر گردید. فریدون با کمک مردم و کاوه آهنگر به ضحاک شورید و پیروز شد. مردم فریدون را به پادشاهی برگزیدند. فریدون ضحاک را کشت. پس با سپاهی عظیم قسمت جنوب خزر را تسخیر کرده و در منطقه ای کنار ساحل جنوبی خزر محلی را برای اطراق انتخاب کرد. شهر فریدونکنار به معنی "گرفتن یا اطراق کردن فریدون" نامگذاری شده است، بنا نهاده می شود. در برخی از کتب تاریخی مازندران و طبرستان این شهر را "فریکنار" هم نام برده اند مرحوم دهخدا در لغتنامه، در مورد افسانه اساطیری فریدون میگوید "فریدون یکی از بزرگان داستانی مشترک اقوام هند و ایرانی است، پادشاهی است معروف که ضحاک را در بند کرد." مطابق شاهنامه فردوسی او پسر آبتین و از نسل جمشید است که پس از مشاهده ستمگریهای ضحاک تازی علیه او قیام میکند و با دستیاری کاوه آهنگر، او را دستگیر و در کوه دماوند زندانی میکند و خود به پادشاهی ایران میرسد. فریدون در ادبیات ایران همواره به عنوان مظهر قدرت و پیروزی مطرح بوده است. شهر فریدونکنار در گذشته به نام "مشهد سر دویم" هم نامیده میشد. شهر بابلسر به "مشهد سر" معروف بوده و محمدحسن خان اعتمادالسلطنه درباره مشهدسر می نویسد "به علت آنکه بابلسر مشهدسر نامیده میشود، فریدونکنار نیز مشهد سر دویم نامیده شده است." در زمینه علل پیدایش شهر باید به وجود دریای خزر در قسمت شمالی شهر اشاره کنیم. قرارگیری شهر بر روی جلگه پست و ساحلی جنوب دریای خزر، امکان وجود خاک مساعد را فراهم کرده بطوریکه اراضی کشاورزی حاصلخیز که عمدتاً در حاشیه جنوبی شهر واقع اند از جمله علل سکونت گزینی در این منطقه بوده است. وجود منابع آبی غنی و رودخانه موجود در بافت شهر و همچنین وجود دریای خزر در قسمت شمالی شهر، زمینه فعالیت های صیادی و ماهیگیری را فراهم کرده است و با احداث بندرچندمنظوره فریدونکنار (صیادی، سیاحتی و حمل و نقل) در بخش شرقی ساحل فریدونکنار موجب تقویت فعالیتهای ماهیگیری و توریستی در این شهر گردیده است. در واقع توسعه تدریجی فریدونکنار بیشتر مرهون فعالیت های زراعی، صیادی و شکار بوده است بطوریکه از دیر زمان بازاری در آن تشکیل شده است. طور کلی شهر فریدونکنار بواسطه قرارگیری در مسیر شاهراه شرق به غرب استان مازندران و پتانسیل های طبیعی و جاذبه های توریستی و گردشگری حائز اهمیت است.



جدول (۱): ابعاد و شاخصهای منتخب برای سنجش توسعه

ابعاد	شاخص ها
اجتماعی و اقتصادی	معکوس بعدخانوار، معکوس بارتکفل، معکوس بارجمعیتی، معکوس بارمعیشتی، معکوس نرخبیکاری، میزان فعالیت عمومی، نرخ اشتغال، درصد باسوادی کل، درصد خانوار دارایموتورسیکلت، درصد خانوار دارای خودرو، درصد خانوارهای دارای رایانه و تراکم جمعیتی.
آموزشی و فرهنگی	دبستان، راهنمایی، دبیرستان، هنرستان و فنی حرفهای، کافینت، گیمنت (به ازای هر ده هزار نفر)، سرانه تاب، سرانه ورزشگاههای عمومی و سرانه باشگاههای خصوصی.
تأسیسات و تجهیزات شهری	سرانه فضای سبز، مراکز انتظامی، مراکز مذهبی، ایستگاههای آتشنشانی، ایستگاههای پمپ بنزین (به ازای هر ده هزار نفر)
بهداشتی_ درمانی	بیمارستان، داروخانه، آزمایشگاه، مراکز بهداشتی و درمانی، درمانگاه و پزشک شهری (به ازای هر ده هزار نفر).
کیفیت مسکن	درصد خانوارهای برخوردار از آب آشامیدنی، درصد خانوارهای برخوردار از برق، درصد خانوارهای برخوردار از گاز لوله کشی، درصد خانوارهای برخوردار از تلفن ثابت، درصد خانوارهای برخوردار از سرویس بهداشتی، درصد خانوارهای برخوردار از حمام، درصد خانوارهای برخوردار از آشپزخانه، درصد خانوارهای برخوردار از حرارت مرکزی و درصد خانوارهای برخوردار از حرارت و برودت مرکزی.

جدول (۲): مشخصات جغرافیایی شهر فریدونکنار

رشد سالانه جمعیت			جمعیت شهری فریدونکنار			مساحت (هکتار)
۱۳۹۵	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۹۵	۱۳۸۵	۱۳۷۵	
۱/۷۹	۲/۱۲	-	۴۱۸۷۸	۳۴۴۹۶	۲۷۹۷۶	۸۷۱

۵- یافته های تحقیق

عدالت اجتماعی در فضای شهری زمانی محقق می‌گردد که شاخص های مورد مطالعه در چارچوب معیارهای عدالت اجتماعی (نیاز، استحقاق و منفعت) توزیع گردند و چنین امری مستلزم ارتقای سطح توسعه یافتگی نواحی از نظر میزان برخورداری از شاخص ها می باشد. بررسی وجود یا عدم وجود همبستگی بین شاخصهای مورد مطالعه، مبین جایگاه هر ناحیه از نظر میزان برخورداری از شاخص ها می باشد. این مسئله در نهایت و در صورت وجود همبستگی معنادار و مثبت می تواند بیانگر وجود یا عدم وجود عدالت اجتماعی در ساختار فضایی شهر فریدونکنار باشد. در این پژوهش هدف، بررسی فضایی وجود نابرابری اجتماعی بین نواحی شهری است. بدین منظور برای طبقه بندی نواحی ۱۴ گانه شهری به لحاظ برخورداری از شاخص های توسعه، از مدلها و آزمون های آماری مختلفی استفاده شده است.

۶- تعیین روند نابرابری های منطقه ای در شهر فریدونکنار

برای تعیین تعادل یا عدم تعادل منطقه ای شاخصهای انتخابی، از مدل V.C یا ضریب اختلاف ویلیامسون استفاده شده است. نتایج نشان داده که با توجه به مقدار بالایی V.C محاسبه شده، شاخص هایی از قبیل سرانه کتاب، بیمارستان، مراکز آشنشانی، کافیت، آزمایشگاه، گیمنت، ایستگاه های پمپ بنزین، ورزشگاههای عمومی و مراکز انتظامی از توزیع نامتعادلی برخوردار در مناطق مرکزی تمرکز یافته اند. اما شاخص های بوده و عمدتاً مربوط به کیفیت مسکن و مرتبط با اقتصادی اجتماعی از وضعیت بهتری در بین نواحی ۱۴ گانه برخوردار بوده و توزیع عادلانه تری در سطح شهر داشته اند.

ابعاد و شاخص ها		انحراف معیار	میانگی ن	V.C شاخص	V.C بعد	ابعاد و شاخص ها	انحراف ف معیار	میانگی ن	C.V شاخص	C.V بعد
اجتماعی و اقتصادی	جمعیت کل	۹/۱۹۹۱	۱۸۱۸۷	۰/۱۰	۰/۱۷۴	تراکم	۳۳/۱	۵۸/۸	۰/۳۹	۰/۱۹۷
	تعداد خانوار	۷۰۷/۸	۵۵۷۴	۰/۱۲		مساحت	۸۰/۹	۲۴۵/۵	۰/۳۲	
	بعد خانوار	۰/۲۶۶	۰/۴۵	۰/۵۸		مراکز انتظامی	۰/۲۶	۰/۲۶	۱	
	میزان بار تکفل	۰/۰۰۱	۰/۰۲	۰/۰۶		آتش نشانی	۲۲/۲	۳/۴۷	۰/۶۳	
	میزان	۰	۰	۰		پمپ	۰/۲۷	۰/۱۹	۱/۴۳	
تاسیسات و تجهیزات شهری										

				بنزین					بار جمعی		
				فضای سبز					میزان بارمعیشتی		
				بیمارستان					نرخ بیکاری		
۰/۶۶۱				داروخانه	کیفیت مسکن				فعالیت عمومی		
				آزمایشگاه					نرخ اشتغال		
				مراکز درمانی					درصد باسواد		
				درمانگاه					دارای موتور سیکلت		
				پزشک					دارای خودرو		
۰/۱۸۹				آب					دارای یارانه		آموزشی و فرهنگی
				برق					دبستان		
				گاز					راهنمایی		
				تلفن					دبیرستان		
				حمام					دارو دانش و حرفه		
				سرویس بهداشتی					کافی نت		
				حرارت مرکزی					گیم نت		
				آشپز خانه					سرانه کتاب		
				مراکز مذهبی					ورزشگاه عمومی		

۷-رتبه بندی محلات شهر فریدونکنار براساس مدل های تصمیم گیری چند شاخصه

برای رتبه بندی مناطق از روشهای SAW , VIKOR , TOPSIS استفاده شد. در ابتدا ضرایب مربوط به هر منطقه محاسبه شد و بر اساس نتایج به دست آمده، محلات ۱ و ۲ در هر سه مدل رتبه های بالا را به خودشان اختصاص دادند

(جدول ۶) سپس با محاسبه میانگین امتیازات، ضریب نهایی توسعه در هر منطقه شهری به دست آمد. در این مرحله برای همسویی ضریب وایکور با سایر ضرایب از فرمول $1-X$ استفاده شده است در استفاده از روشهای متفاوت اولویت بندی، ممکن است تصمیم گیرنده با شرایطی مواجه شود که در یک مسئله واقعی، رتبه بندی های واحدی، از کاربرد روشهای مختلف نسبت به آترناتیوها حاصل نشود؛ در آن صورت الزم است، تصمیم گیرندگان برای تصمیم نهایی از روشهای ادغامی استفاده کنند. در این^۲ از روشهایی چون میانگین رتبه ها، روش بردا و یا راستا معمول روش کپ لند بهره برداری کرد. در رتبه بندی محلات شهر فریدونکنار نیز به رغم همسویی مدلهای مختلف، در نهایت رتبه بندی واحد ارائه نشده است. همین موضوع باعث شد تا برای رسیدن به رتبه بندی نهایی از روشهای ادغامی استفاده نماییم. نتایج استفاده از این روشها در ذیل آمده است: روش میانگین رتبه ها در این روش لازم است میانگین رتبه ای هر گزینه را محاسبه و پایین ترین رتبه تخصیص به هر گزینه را به عنوان اولویت نخست انتخاب کرد. میانگین رتبه ها را از حاصل جمع رتبه ها و تقسیم آن بر تعداد روشهای مورد استفاده میتوان به دست آورد. بر اساس این روش محله ۳ در رتبه نخست و محله ۹ در رتبه آخر جا گرفت.

روش بردا

در روش بردا براساس قاعده اکثریت، روشهای مختلف ترجیحی گزینه ها نسبت به یکدیگر ملاک عمل قرار داده میشود. گزینه ها دو به دو مقایسه می شوند. اگر تعداد روشهایی که یک گزینه را بر گزینه دیگر ترجیح میدهند بیشتر باشد، M قرار میگیرد و اگر در این مقایسه، رأی اکثریت وجود نداشت و یا آرا با هم مساوی بود، X قرار میگیرد (جدول ۴) بر اساس این روش محله ۳ در رتبه نخست و محله ۹ در رتبه آخر جا گرفت:

جدول (۴): رتبه بندی محلات شهر فریدونکنار براساس روش بردا

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	$\sum R$
۱	-	M	X	X	M	M	X	M	M	X	M	X	6
۲	X	-	X	X	X	M	X	X	M	X	X	X	2
۳	M	M	-	-	M	M	M	M	M	M	M	M	11
۴	M	M	X	X	M	M	M	M	M	M	M	M	10
۵	X	M	X	X	M	M	X	X	M	X	X	X	3
۶	X	X	X	X	X	-	X	X	M	X	X	X	1
۷	M	M	X	X	M	M	-	M	M	X	M	M	8
۸	X	M	X	X	M	M	X	-	M	X	X	X	4
۹	X	X	X	X	M	X	X	M	-	X	X	X	0
۱۰	M	M	X	X	X	M	M	M	M	-	M	M	9
۱۱	X	M	X	X	M	M	X	M	M	X	-	X	5
۱۲	M	M	X	X	M	M	X	M	M	X	M	-	7
$\sum R$	5	9	0	1	8	10	3	7	11	2	6	4	

جدول (۶): رتبه بندی ضریب نهایی توسعه در محلات شهر فریدونکنار

رتبه بندی براساس روش ادغامی	وضعیت مناطق به لحاظ برخورداری	محللات	مدل TOPSIS	مدل VIKOR	مدل SAW	ضریب نهایی توسعه
رتبه ۶	کمتر توسعه یافته (۳)	۱	۰/۲۶۴۳	۰/۱۸۵۹	۰/۲۸۷۵	۰/۲۴۵۹
رتبه ۱۰	کمتر توسعه یافته (۳)	۲	۰/۱۵۱۸	۰/۰۶۲۷	۰/۱۵۳۱	۰/۱۲۲۵
رتبه ۱	توسعه یافته (۱)	۳	۰/۵۲۹۹	۰/۹۶۸۶	۰/۵۸۷۳	۰/۶۹۵۲
رتبه ۲	توسعه یافته (۱)	۴	۰/۶۱۵۴	۰/۹۳۸۶	۰/۱۶۹۷	۰/۷۰۲۴
رتبه ۹	کمتر توسعه یافته (۳)	۵	۰/۱۴۳۴	۰/۰۸۵۰	۰/۱۳۹۳	۰/۱۳۲۷
رتبه ۱۱	کمتر توسعه یافته (۳)	۶	۰/۱۴۱۴	۰/۰۵۴۶	۰/۴۶۵۷	۰/۱۱۸
رتبه ۴	توسعه متوسط (۲)	۷	۰/۴۰۷۲	۰/۳۵۵۴	۰/۰۸۲۸	۰/۴۰۹۴
رتبه ۸	توسعه متوسط (۲)	۸	۰/۱۶۴۰	۰/۰۹۳۴	۰/۱۷۹۶	۰/۱۴۵۷
رتبه ۱۲	کمتر توسعه یافته (۳)	۹	۰/۰۶۵۶	۰	۰/۶۱۳۶	۰/۰۴۹۵
رتبه ۳	کمتر توسعه یافته (۳)	۱۰	۰/۴۰۶۱	۰/۵	۰/۱۸۲۵	۰/۵۰۶۶
رتبه ۷	توسعه متوسط (۲)	۱۱	۰/۲۱۴۰	۰/۰۸۹۸	۰/۳۲۹۵	۰/۱۶۲۱
رتبه ۱۳	توسعه یافته (۱)	۱۲	۰/۲۶۶۱	۰/۲۲۹۳	۰/۱۸۵۲	۰/۲۷۵۰
رتبه ۱۴	کمتر توسعه یافته (۳)	۱۳	۰/۲۸۳۲	۰/۲۶۹۸	۰/۱۷۹۶	۰/۱۴۸۵
رتبه ۵	توسعه متوسط (۲)	۱۴	۰/۲۹۸۴	۰/۱۴۸۹	۰/۳۲۹۸	۰/۱۴۵۹

۸- رابطه تراکم و ضریب توسعه در شهر فریدونکنار

تراکم یا انبوهش را می توان به عنوان یک سیستم اندازه گیری تعریف کرد که قادر است به شکل ریاضی و ساده تعداد افراد در سطح معینی از زمین را به عنوان تراکم جمعیتی و یا مقدار زیربنای واقع در سطح معینی از زمین را به عنوان تراکم

ساختمانی محاسبه و تعریف نماید. یکی از اهداف اصلی برنامه ریزی شهری، رسیدن به وضعیتی است که انواع امکانات و فضاهای شهری به اندازه کافی و به نحوه مطلوب در دسترس شهروندان قرار گیرد و آنان با کمترین مشکل به انواع امکانات شهری دسترسی داشته باشند. حصول این امر با ایجاد تعادل منطقی بین جمعیت و امکانات صورت میگیرد. تراکم بیش از حد جمعیت در بخشی از شهر این تعادل را از بین میبرد. علاوه بر این سروصدا و نارسایی های روانی، گرانی قیمت زمین و اجاره خانه، بزه کاری و جنایت، امکان مخاطرات بهداشتی و مواردی از این قبیل از تبعات آن است. در مقابل تراکم بسیار پایین نیز مشکلاتی از قبیل بالا رفتن هزینه خدمات ترسانی (آب، برق، گاز و تلفن) و خدمات بهداشتی، درمانی، آموزشی و غیره میشود. بنابراین رسیدن به تراکم معقول، منطقی و نظارت بر آن در شهرها از اهمیت بالایی برخوردار است. در ادبیات برنامه ریزی شهری به انواع مختلفی از تراکم اشاره شده است. برخی از مهمترین آن که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت، عبارتند از: ۱- تراکم جمعیتی، ۲- تراکم خالص مسکونی، ۳- تراکم کلی مسکونی، ۴- تراکم سکونتی و ۵۵- تراکم ساختمانی (Azizi ۲۰۰). برای تعیین نوع آزمونهای پارامتری و یا ناپارامتری، ابتدا نرمال بودن توزیع داده ها از طریق آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف مشخص می شود. همان طور که در جدول (۹) آمده، چون Sig محاسبه شده بیشتر از پنج درصد است، بنابراین توزیع داده ها نرمال بوده و باید از آزمونهای پارامتریک استفاده شود. برای محاسبه میزان همبستگی ضریب توسعه با انواع تراکم از ضریب پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۱۰ آمده است. نتایج حاصل، نشان داده که از ۵ تراکم تعریف شده، فقط ۳ تراکم جمعیتی، واحد مسکونی و ساختمانی رابطه مثبت و معناداری با ضریب توسعه دارند. به عبارت دیگر با افزایش این نوع تراکم ها شاخصهای توسعه نیز بهبود می یابند و بین بقیه تراکم ها و ضریب توسعه رابطه معناداری مشاهده نشده است. در ادامه به دنبال آنیم تا در تراکم هایی با رابطه معنادار، میانگین ضریب توسعه در مناطق کم تراکم و متراکم مورد مقایسه قرار گیرد. ابتدا هر یک از تراکم های یاد شده، بر اساس قاعده تعیین فاصله طبقات (Taherkhani and Mahdavi ۲۰۰۶) به دو منطقه کم تراکم و متراکم تقسیم شده (جدول شماره ۸) سپس با آزمون، دو نمونه مستقل این دو طبقه تراکم مورد مقایسه قرار گرفتند.

جدول (۷): تعاریف مربوط به انواع تراکم

تراکم	تعاریف
تراکم جمعیتی	این شاخص، حاصل تقسیم جمعیت بر مساحت جغرافیایی مورد نظر (ناحیه، شهر و محله) میباشد.
تراکم خالص مسکونی	این نوع تراکم، حاصل تقسیم جمعیت بر سطح زیربنای مسکونی (و یا قطعات مسکونی) است.
تراکم کلی مسکونی	این شاخص، حاصل تقسیم تعداد واحدهای مسکونی بر مساحت جغرافیایی میباشد.
تراکم سکونتی	این شاخص، نسبت خانوار (و یا جمعیت) به تعداد مسکن ها را می سنجد.
تراکم ساختمانی	تراکم ساختمانی نیز نسبت سطح زیربنا به سطح زمین را نشان میدهد؛ هرچه این مقدار بیشتر باشد، شدت استفاده از فضای مسکونی در منطقه بیشتر است.

جدول (۸): ضریب توسعه و انواع تراکم در محلات شهر فریدونکنار

محلات	ضریب توسعه	تراکم جمعیتی	تراکم خالص مسکونی	تراکم کلی مسکونی	تراکم سکونتی	تراکم ساختمانی
۱	۰/۲۴۵۹	۸۶/۸۳	۰/۰۳۱	۲۵/۰۷	۱	۲۷۹۰/۴
۲	۰/۱۲۲۵	۷۸/۷۷	۰/۰۳۰	۲۳/۱۹	۱	۲۶۴۷/۵
۳	۰/۶۹۵۲	۱۴۲/۰۴	۰/۰۲۴	۴۳/۶۴	۱	۵۸۲۹/۲
۴	۰/۷۰۲۴	۶۴/۰۲	۰/۰۲۴	۴۳/۸۴	۱	۲۵۷۹/۲
۵	۰/۱۳۲۷	۴۲/۵۳	۰/۰۲۵	۱۹/۷۷	۱	۱۵۷۸/۶
۶	۰/۱۱۱۸	۵۴/۷۸	۰/۰۳۲	۱۳/۰۴	۱	۱۷۵۱/۴
۷	۰/۴۰۹۴	۵۳/۲۷	۰/۰۳۰	۱۶/۴۴	۱	۲۰۰۸/۹
۸	۰/۱۴۵۷	۶۹/۹۶	۰/۰۳۲	۱۸	۱	۲۲۷۵/۲
۹	۰/۰۴۹۸	۱۲۸/۶	۰/۰۳۴	۱۹/۱۶	۱	۵۵۷۳/۷
۱۰	۰/۵۰۶۶	۸۶/۹۳	۰/۰۲۳	۱۶/۶۸	۱	۱۹۶۵/۸
۱۱	۰/۱۶۲۱	۱۲۴/۸	۰/۰۲۳	۳۹/۷۵	۱	۲۲۸۵/۲
۱۲	۰/۲۷۵۰	۸۶/۹۳	۰/۰۲۱	۳۷/۰۷	۱	۵۵۷۳/۷
۱۳	۰/۲۴۶۰	۸۶/۶۵	۰/۰۳۲	۲۶/۲۳	۱	۴۰۸۲/۵
۱۴	۰/۲۶۸۰	۶۳/۸۵	۰/۰۲۳	۱۸/۲۴	۱	۳۲۶۵/۶

جدول (۹): نتایج حاصل از آزمون کولموگوروف - اسمیرنوف S.K

	ضریب توسعه	تراکم جمعیتی	تراکم خالص مسکونی	تراکم کلی مسکونی	تراکم سکونتی	تراکم ساختمانی
تعداد مناطق	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲
میانگین	۰/۲۹	۸۳/۹۳	۰/۰۲۷	۲۵/۴۷	۱/۰۱	۳۲۵۵/۵۸
انحراف معیار	۰/۲۲	۳۴/۵۸	۰/۰۰۴	۱۰/۹۵	۰/۱۵۷	۰/۲۷۷
Z مقدار	۰/۷۶۷	۰/۷۴۷	۰/۷۱۰	۶۸۷/۰	۰/۵۴۳	۰/۹۵۹
سطح معنادار	۰/۵۹۸	۰/۶۳۳	۰/۶۹۴	۰/۷۳۲	۰/۹۳۰	۰/۳۱۷

جدول (۱۰): آزمون همبستگی پیرسون میان انواع تراکم و ضریب توسعه

نام متغیرها	تعداد محلات	ضریب همبستگی	سطح معناداری	سطح خطا	نتیجه
تراکم جمعیتی	۱۴	۰/۵۷۳	۰/۰۲۶	۰/۰۵	وجود رابطه
تراکم خالص مسکونی	۱۴	۰/۴۲۹	۰/۰۸۲	۰/۰۵	عدم وجود رابطه
تراکم مسکونی	۱۴	۰/۵۸۷	۰/۰۲۲	۰/۰۵	وجود رابطه
تراکم سکونتی	۱۴	۰/۰۲۵	۰/۴۶۹	۰/۰۵	عدم وجود رابطه
تراکم ساختمانی	۱۴	۰/۵۹۳	۰/۰۲۱	۰/۰۵	وجود رابطه

بر اساس نتایج آزمون $t=-1/388$ و $\text{sig} = ۰/۱۹۵$ مشخص شده است که میانگین برخورداری از شاخص توسعه در میان مناطق کم تراکم جمعیتی (۲۴۵/۰) و تراکم جمعیتی (۴۴۹/۰) می باشد که به رغم بالا بودن میزان میانگین در مناطق متراکم، این تفاوت معنادار نبوده و این مناطق با سطح اطمینان ۹۵ درصد در بهره مندی از شاخص های توسعه با هم مشابه هستند. درمورد شاخص توسعه و تراکم ساختمانی نیز نتایج آزمون $t=-1/388$ و $\text{sig} = ۰/۰۱۲$ گویای آن است که میانگین، بین مناطق کم تراکم (0/188) و پر تراکم (۵۱۲/۰) تفاوت معناداری با یکدیگر مشاهده شده است. به عبارت دیگر این مناطق، با سطح اطمینان ۹۵ درصد در برخورداری از شاخص های توسعه با هم مشابه نیستند. در مقایسه طبقات تراکم مسکونی نیز نتایج مشابه این وضعیت به دست آمده است. نتایج آزمون T نشان داد که $\text{sig} = t-2/3$ و میانگین ضریب توسعه در میان مناطق کم تراکم (۲۲۲/۰) و پر تراکم (۵۱۹/۰) تفاوت معناداری با یکدیگر داشته و این مناطق با سطح اطمینان ۹۵ درصد در میزان برخورداری با هم مشابه نیستند.

جدول (۱۲): آزمون T با دو نمونه مستقل میان تراکم و ضریب توسعه

نام متغیرها	تعداد داده	میانگین	انحراف معیار	سطح خطا	نتیجه
ضریب توسعه و تراکم جمعیتی	کم تراکم ۹	۰/۲۴۵	۰/۲۰۲	۰/۰۶	تأیید فرض H_0
	پرتراکم ۳	۰/۴۴۹	۰/۲۷۹	۰/۱	
ضریب توسعه و تراکم ساختمانی	کم تراکم ۸	۰/۱۸۸	۰/۱۱۵	۰/۰۶	تأیید فرض H_1
	پرتراکم ۴	۰/۵۱۲	۰/۲۶۰	۰/۱	
ضریب توسعه و تراکم مسکونی	کم تراکم ۹	۰/۲۲۲	۰/۱۵۲	۰/۰۵	تأیید فرض H_1
	پرتراکم ۳	۰/۵۱۹	۰/۳۰۹	۰/۱	

۹- نتیجه گیری

امروزه بسیاری از اندیشمندان علوم شهری به این نتیجه رسیده‌اند که میزان پایداری یک شهر میتواند با شکل، اندازه، تراکم و یا کاربری‌های آن مرتبط باشد. با این حال در خصوص ماهیت دقیق این ارتباط اتفاق نظر وجود ندارد. به عنوان مثال پایداری نسبی شهری با تراکم بالا یا پایین و یا سکونتگاه‌های متمرکز و غیرمتمرکز شکال خاصی از شهرها در هنوز مورد بحث است. به نظر میرسد برخی موارد پایدارتر باشند. بدین ترتیب چنانچه خواستار هرگونه پیشرفتی در پایداری شهری باشیم، لازم است میان شکل شهر و برخی عناصر آن در تمام مقیاسهای جغرافیایی ارتباط برقرار گردد. در حال حاضر شهر متراکم را به عنوان یکی از الگوهای پایدار توسعه شهری معرفی نموده‌اند، با این حال هنوز درک درستی از چگونگی تأثیرپذیری توسعه از تراکم بودن شهری به دست نیامده است. در تعریف شهر متراکم آمده است، شهری با تراکم جمعیتی بالاتر، دارای کارکرد چندگانه با مرزهای مشخص که با افزایش تراکم در یک محله، امکان خرید و رفت و آمد به شکل بهتری فراهم می‌شود. فشردگی سازی شهری منجر به افزایش میزان فعالیتهای شهری، افزایش تراکم جمعیتی و ساختمانی و گسترش فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی میشود. در این گونه شهرها، ساختمانها به صورت ردیفی و فشردگی در کنار هم قرار گرفته اند. در این الگو، تراکم، شکل منطقی و معقولی دارد و فضای شهری از عملکردهای مختلفی تلفیق یافته و زندگی شهری بیش از آن که به استفاده مفرط از اتومبیل استوار باشد، مبتنی بر سیستم‌های پیاده روی، دوچرخه سواری و حمل و نقل عمومی است. بر اساس این رویکرد، نتایج تحقیق نشان میدهد که وضعیت برخورداری از شاخص‌های توسعه در مناطق کم تراکم و پرتراکم ساختمانی و مسکونی در شهر فریدونکنار به لحاظ آماری تفاوت معناداری با یکدیگر دارند. به طوری که مناطق متراکم از شرایط بهتر و توسعه یافته تری نسبت به مناطق کم تراکم برخوردار هستند. این نتایج تا حدود زیادی تأییدکننده دیدگاه‌های ویلیامز، برتون و جنکز در (۲۰۰۰) است که معتقدند در مناطق متراکم، فضای اجتماعی بهتر و دسترسی مناسبتری به تسهیلات و خدمات شهری دیده میشود. «برتون به برابری اجتماعی به عنوان یکی از جنبه‌های پایداری که کمتر مورد تحقیق قرار گرفته است، پرداخت و به این نتیجه رسید که این عنصر بر شکل شهری تأثیر میگذارد. از نظر وی متراکم بودن در برخی زمینه‌ها برابری اجتماعی را افزایش میدهد اما نه در همه جنبه‌های آن. وی معتقد است برخی از جنبه‌های خاص شهر متراکم از جنبه‌های دیگر برای برابری اجتماعی مفیدتر هستند و به ویژه در زمینه شهرنشینی مجدد و توسعه زمینهای متروکه و قدیمی مزایایی را در بر دارد. توزیع و پراکنش شاخص‌های توسعه در شهر فریدونکنار نوعی عدم تعادل فضایی را بیان میکند. یافته‌های تحقیق نشان میدهد که نزدیک به ۲۵/۸ درصد از جمعیت شهر در مناطق توسعه یافته (۳ و ۴ و ۱۰)، ۱۴/۵ درصد جمعیت در مناطق متوسط (۷ و ۱۲) و ۵۹/۵ درصد در مناطق ضعیف و کمتر توسعه یافته (۱ و ۲ و ۵ و ۶ و ۸ و ۹ و ۱۱) ساکن هستند. براساس نتایج نواحی مرکزی شهر از سطح توسعه یافتگی بیشتری نسبت به مناطق پیرامونی و نیمه پیرامونی برخوردارند. همچنین تفاوت معناداری میان ضریب توسعه در بین مناطق براساس طبقه بندی تراکم ساختمانی دیده میشود؛ در حالی که این تفاوت براساس طبقه بندی تراکم جمعیتی معنادار نمی‌باشد. براساس نتایج مناطق ۳ و ۴ که در مرکز شهر قرار دارند و از تراکم بالاتری برخوردارند، در دستیابی به شاخص‌های توسعه جزو مناطق برخوردار به شمار می‌روند (رتبه‌های ۱ و ۲) در حالی که مناطق ۶ و ۹ به عنوان نواحی حاشیه‌ای و بیرونی شهر، جزو مناطق کم تراکم بوده و رتبه‌های پایینی را به لحاظ برخورداری به خود اختصاص داده‌اند (رتبه‌های ۱۱ و ۱۲). بنابراین ضروری است برنامه ریزی برای ارائه خدمات اجتماعی مناسب از قبیل ایجاد مدارس، کتابخانه، مراکز بهداشتی، فضاهای سبز و تفریحی و مراکز تجاری با محوریت مناطق محروم و کم تراکم باشد. در واقع پیشنهاد میشود بین سطح محرومیت ساکنان و

دستیابی به خدمات، روندی معکوس اتفاق بیفتد تا مناطق محروم اجتماعی و اقتصادی دستکم از بعد فضایی در محرومیت قرار نگیرند و این امر نیازمند سیاست گذاری در سطح سازمانهای مرتبط برای توجه به عدالت فضایی در توزیع خدمات عمومی شهری است. همچنین عدم تناسب میان جمعیت و خدمات ارائه شده در مناطق ۳ و ۴ که بافت قدیم و هسته اولیه شهر را تشکیل می دهند، موجب شده تا حدود زیادی انگیزه سکونت و سرمایه گذاری در آن کاهش یابد. در حالی که این مناطق با رویکرد توسعه درونی می توانند زمینهای متروکه در بافتهای قدیمی را مورد استفاده مجدد قرار داده و با نوسازی منطبق بر اصول شهر متراکم، فضای سکونتی بسیار مناسبی برای جمعیت آتی شهر تأمین کنند. به طوری که نه تنها محدوده شهر افزایش بیرویه نخواهد یافت، بلکه بستری فراهم می گردد که با اختصاص سهم بیشتری از مسکن با تراکم بالا، مناطق با سرعت بیشتری در مسیر پایداری قرار خواهند گرفت. اگرچه این تحقیق شواهدی مبنی بر امکان حمایت از دیدگاه ارتقای پایداری از طریق شهر متراکم ارائه میکند، اما تنها زمانی آن را به عنوان اصل کلی می پذیرد که این فرضیه در شهرهایی با اندازه های متفاوت و با شاخص های بیشتر و متنوع تری به تأیید برسد.

منابع:

- 1-Pope, D., Tisdall, R., Middleton, J., Verma, A., Ameijden, E van. Birt, C., Macherianakis, A, and Bruce, N.G. 2018. Quality of and access to green space in relation to psychological distress: results from a population-based cross-sectional study as part of the EURO-URHIS 2 project. *European Journal of Public Health*, 28 (1) 35-38.
- 2-Shah, M. and Atiqul, H. 2011. Urban green spaces and an integrative approach to sustainable environment. *Journal of Environmental Protection*. 2 601-608.
- 3-Stessens, Philip. Khan, Ahmed Z. Huysmans, Marijke and Canters, Frank. 2017. Analysing urban green space accessibility and quality: A GIS-based model as spatial decision support for urban ecosystem services in Brussels. *Ecosystem Services*. 28: 328-340.
- 4-Tsou, Ko-Wan, Hung. Yu-Ting and Chang Yao-Lin. 2005. An accessibilitybased integrated measure of relative spatial equity in urban public Facilities. *Cities*. 22 (6) : 424-435.
- 5-Veenhoven, Ruut. 2005. "Return of Inequality In Modern Society? Test by Dispersion of LifeSatisfaction across Time and Nations". *Journal of Happiness Studies*. 6: 457-487.
- 6-Van Dillen, S.M., de Vries, S. Groenewegen, P.P., and Spreeuwenberg, P. 2012. Greenspace in urban neighborhoods and residents' health: adding quality to quantity. *Journal of Epidemiology and Community Health*. 66 (6) : 1-10.
- 7-Zhang, Yang. Van den Berg, Agnes E. Van Dijk, Terry and Weitkamp, G. 2017. Quality over Quantity: Contribution of Urban Green Space to Neighborhood Satisfaction. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 14: 525-535.
- 8-Hoffmann, Elaine. Barros, Henrique & Ribeiro, Ana Isabel. 2017. Socioeconomic Inequalities in Green Space Quality and AccessibilityEvidence from a Southern European City. *Int. J. Environ. Res. Public Health*, 14Kabisch, N. and Haase, D. 2014. Green justice or just green? Provision of urban green spaces in Berlin, Germany. *Landscape and Urban Planning*. 129-139 (8) : 914-934.
- 9-Hataminejad. Hossein; Farhoudi. Rahmatollah; Mohammadpour Jaber, Morteza 2008. Socio-economic Inequality Analysis in Utilization of Urban Services Case Study: Esfarayn. *Human Resource Research*. 65: 71-85.
- 10-Jim, C.Y. and Chen, W.Y. 2008. Pattern and divergence of tree communities in Taipei's main urban green spaces. *Journal of Landscape and Urban Planning*. 84: 312-323.
- 11-Engelberg, J.K., Conway, T.L., Geremia, C., Cain, K.L., Saelens, B.E., Glanz, K., Frank, L.D. and Sallis, J.F. 2016. Socioeconomic and race/ethnic disparities in observed park quality. *BMC Public Health*. 16: 1-11.
- 12-Dupont, Vincent. 2007. "Do geographical agglomeration. Growth and equity conflict?" *Regional Science*. 86 (2) : 193- 213.